



A New Analysis of the Reproach in Sūrat ‘Abasa Based on Sūrah Coherence and the Qur’anic Style of Expression

Mahdieh Dehghani Ghanaatghestaani¹ 

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadis Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: dehghani.m@khu.ac.ir

Abstract

Three interpretations have been proposed concerning the opening verses of Sūrat ‘Abasa, each of which faces certain difficulties. Employing a descriptive-analytical method, the present study seeks to offer a new interpretation based on the concepts of sūrah coherence and the Qur’anic style of expression. The analysis demonstrates that the first two verses describe inappropriate behavior toward the Prophet rather than toward the blind man, and that these verses function as the structural foundation of the sūrah, with the subsequent verses elaborating upon their meaning. For example, verses 3 and 4, which express the possibility that the newcomer might attain faith, serve to console the Prophet. Verses 5–7, which describe the Prophet’s efforts to guide the initial audience toward faith, are consistent with other Qur’anic verses portraying the Prophet as deeply concerned with the guidance and faith of the disbelievers. The principal message of these verses is to relieve the Prophet of the responsibility of guiding those who consider themselves self-sufficient and turn away from guidance. Verses 8–10 similarly correspond to other Qur’anic passages in which the Prophet is relieved of the responsibility of guiding those who turn away, while his attention is directed toward the believers. Their principal message is to demonstrate the lesser importance of the faith of those who turn away and to remove responsibility for their guidance from the Prophet. The purpose of verses 16–19 is to emphasize that the offending individual’s turning away from the Prophet while the Qur’an was being recited, as well as his frowning, does not diminish the exalted status of the Qur’an in any way. The analysis also demonstrates that the themes occurring after the discussion of tawallī (turning away) in Sūrat ‘Abasa are likewise presented in other sūrahs in conjunction with the theme of tawallī.

Keywords: Sūrat ‘Abasa, sūrah coherence, Qur’anic style of expression, thematic co-occurrence in the Qur’an.

Cite this article: Dehghani Ghanaatghestaani, M. (2026). A New Analysis of the Reproach in Sūrat ‘Abasa Based on Sūrah Coherence and the Qur’anic Style of Expression. *Quranic Researches and Tradition*, 59 (1), 211-234. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.
Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.417440.670671>



Article Type: Research Paper
Received: 27-Jun-2026
Received in revised form: 20-Jul-2026
Accepted: 4-Aug-2026
Published online: 21-Sep-2026

تحلیلی نو از عتاب سورۀ عبس بر پایه توجّه به انسجام سورۀ و سبک بیانی قرآن

مهديه دهقانی قناتغستانی^۱

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: dehghani.m@khu.ac.ir

چکیده

در تحلیل آیات نخستین سورۀ عبس سه دیدگاه که هر یک با اشکالاتی مواجه‌اند، مطرح است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تلاش می‌کند بر مبنای «انسجام سورۀ» و «سبک بیانی قرآن» به ارائه تحلیلی نو بپردازد. این بررسی نشان می‌دهد دو آیه نخست گزارشگر رفتاری بی ادبانه نسبت به پیامبر (ص) و نه شخص نابینا است و این آیات در ساختار سورۀ به مثابه شالوده عمل می‌کند و دیگر آیات در راستای تحلیل این دو آیه قرار دارند. برای مثال آیات سوم و چهارم که در آنها امید به ایمان تازه‌وارد آمده، در راستای تسلی خاطر پیامبر (ص) هستند. آیات پنجم تا هفتم که گزارشگر تلاش پیامبر (ص) برای ایمان مخاطب نخست‌اند، همسو با شمار دیگر از آیات قرآن‌اند که پیامبر را مشتاق ایمان آوردن کافران معرفی می‌کنند. پیام اصلی این آیات خارج نمودن وظیفه هدایت مخاطب مستغنی از عهده پیامبر (ص) است. آیات هشتم تا دهم همسو با دیگر آیاتی هستند که در آنها دوگانه خارج نمودن وظیفه هدایت مخاطب رویگردان از عهده پیامبر، و توجّه دادن پیامبر (ص) به مومنان دیده می‌شود. پیام اصلی این آیات کم‌اهمیت جلوه دادن ایمان پشت‌کنندگان و خارج نمودن وظیفه هدایت آنها از عهده پیامبر (ص) است. هدف آیات شانزدهم تا نوزدهم بیان این نکته است ** → نکته است ** (بدون تغییر املائی لازم؛ فقط یادآوری: طبق قاعده شما «نکته است» درست است) که پشت‌کردن فرد خاطی به پیامبر (ص) در هنگام قرائت قرآن و چهره درهم‌کشیدن، چیزی از مقام والای قرآن نمی‌کاهد. همچنین بررسی نشان می‌دهد موضوعاتی که بعد از بحث «تولی» در سورۀ عبس آمده، در دیگر سورۀ‌ها همراه با بحث «تولی» مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: سورۀ عبس، انسجام سورۀ، سبک بیانی قرآن، باهم‌آیی موضوعات قرآنی.

استناد: دهقانی قناتغستانی، مهديه (۱۴۰۵). تحلیلی نو از عتاب سورۀ عبس بر پایه توجّه به انسجام سورۀ و سبک بیانی قرآن. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۹ (۱)، ۲۱۱-۲۳۴.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.417440.670671>

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۳

انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

مقدمه

مفسران و قرآن‌پژوهان درباره آیات نخستین سوره عبس، یکی از سه دیدگاه زیر را برگزیده‌اند:

۱. عتاب پیامبر (ص): براساس این دیدگاه مخاطب آیات ده‌گانه نخستین سوره عبس پیامبر (ص) هستند. مشکل اصلی این دیدگاه، نسبت مسائلی همچون «عبوس کردن چهره» و «روی‌برگرداندن از نابینا» پیامبر (ص) است و حال آنکه چنین رفتاری از اخلاق برتر پیامبر (ص) به دور است.

۲. عتاب شخصی غیر از پیامبر (ص): براساس این دیدگاه، ده آیه نخستین سوره عبس درباره رفتار شخصی غیر از پیامبر (ص) است. مشکل اصلی این دیدگاه دشواری بازگرداندن ضمائر مخاطب در آیات «وَمَا يَذُرِّكَ لَعَلَّهُ يَرْكِي ... فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى * وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَرْكِي * وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ... فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى» به شخصی غیر از پیامبر (ص) است؛ در حالی که ظهور در بازگشت این ضمائر به پیامبر (ص) است.

۳. عتاب پیامبر (ص) و شخصی دیگر: براساس این دیدگاه دو آیه اول که درباره چهره عبوس کردن و روی‌برگرداندن است، در عتاب شخصی غیر از پیامبر (ص) است و آیات هشتگانه بعد، خطاب به پیامبر (ص) و عتاب به دلیل ترک اولی است. مشکل این دیدگاه مبهم شدن انسجام آیات سوره عبس است چه اینکه پیوند میان عتاب رسول خدا با دیگر آیات سوره عبس توضیح داده نمی‌شود و در نتیجه آیات مربوط به عتاب پیامبر (ص) - یعنی آیات سوم تا دهم - به شکل جمله معترضه در میان دیگر آیات این سوره قرار می‌گیرد. سخن آیت الله معرفت که این دیدگاه را پذیرفته‌اند، شاهد اشکال وارد شده است:

انتقال از مطلبی به مطلب دیگر در مانند این آیات که مشاهده کردیم که چگونه از ملامت به عتاب منتقل می‌شده و آن هم به صورت مبهم باقی گذاشته است از ویژگی‌های فن خطاب است که در یک سخن نوشتاری نیکو نیست. (معرفت، ۱۳۸۷: ج ۱: ۶۴).

توضیح آنکه آیت الله معرفت در راستای پذیرش دیدگاه «خطابه‌ای بودن زبان قرآن» برآنند عامل پیوند دهنده موضوعات مختلف، تقارن بیرونی حوادث بایکدیگر بوده است و بالاتر از این، هیچ پیوندی خاصی بین موضوعات مختلف در سوره قابل طرح نیست. (معرفت، ۱۴۲۷: ج ۱: ۵۰ و ج ۷: ۴۰۹؛ همو، ۱۴۲۳: ۴۲۰) بر این مبنا آیت الله معرفت درباره سوره عبس، تقارن رخداد دو رفتار را عامل توالی طرح آنها در سوره عبس می‌داند و فراتر از آن، پیوندی بین «لامت» شخصی غیر از پیامبر و «عتاب» پیامبر (ص) مشاهده نمی‌کنند.

اکنون پرسش این است که با توجه به «انسجام سوره» و نیز «سبک بیانی قرآنی» در مسئله «تولی» و روی‌برگرداندن، کدام یک از تفاسیر فوق تأیید می‌شود و یا توجه به این دو مقوله تفسیری جدید ارائه می‌دهد؟

پیشینه

مفسران در راستای تعیین مخاطب آیات دهگانه نخستین سوره عبس، بحث‌های دراز دامنی را رقم‌زده‌اند. برای مثال خطاب آیه «وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي» (عبس: ۷) را به پیامبر (ص) انکار نموده و درباره ثبوت وظیفه هدایتگری ایشان سخن گفته‌اند (سید مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۴۴۱) یا در مقابل، درباره عتابهای قرآنی پیامبر (ع) و فایده عتاب ایشان بحث کرده‌اند. (شریعتی مزینانی، بی‌تا: ۸۰ - ۶۲).

در میان مقالات، تاکنون شانزده مقاله درباره سوره عبس به زبان فارسی به چاپ رسیده‌است. در اینجا گزارش کوتاهی از این مقالات، جهت روشن شدن میزان اختلاف در تعیین مخاطب این آیات ارائه می‌گردد:

سال ۱۳۸۴: «کشف راز معاتب و عتاب در سوره عبس»؛ در این مقاله برای نخستین بار، مسئله وجود دو عتاب در آیات نخستین سوره عبس مطرح شده‌است. (برومند و جودوی، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

سال ۱۳۸۶: «عصمت پیامبر (ص) و سوره عبس»؛ در این مقاله نیز عتاب در دو آیه اول و دوم متوجه شخصی غیر از پیامبر (ص) و عتاب در آیات بعد متوجه پیامبر دانسته شده‌است. (صرام‌مفروز، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

سال ۱۳۹۳: «بررسی سوره عبس» از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو؛ در این مقاله، فرد مورد عتاب در همه آیات دهگانه نخستین سوره عبس پیامبر (ص) دانسته می‌شود. (جرفی و محمدیان، ۱۳۹۳ ش). «تحلیل دیدگاه تفسیری فریقین در خصوص آیات آغازین سوره عبس»؛ در این مقاله از یک سو عتاب همه آیات نخستین سوره عبس متوجه فردی دارای مسئولیت هدایت و ارشاد دانسته می‌شود. فردی که به دلیل کوتاهی‌اش مورد توبیخ قرار گرفته‌است. از سوی دیگر مصداق این شخص فرد نامشخصی جز پیامبر (ص)، دانسته می‌شود. (محسنی، ۱۳۹۳: ۹۵). «نقد و بررسی سندی و متنی روایات اسباب نزول سوره‌های نبا تا فجر»؛ در این مقاله دلالت آیات دهگانه نخستین سوره عبس بر عتاب پیامبر (ص) انکار شده‌است. (محمدجعفری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

سال ۱۳۹۶: «بررسی رویکرد مفسران در تفسیر آیات نخست سوره عبس»؛ در این مقاله، دو رای عتاب پیامبر یا شخص دیگری همراستا قاعده «نباید نظر به مال و عنوان اشخاص داشت بلکه ملاک ایمان، عمل صالح و تقوا است، هر چند فقیر و عاجز باشد» تحلیل می‌شود. (رضائی اصفهانی و رستمی، ۱۳۹۶: ۲۰).

سال ۱۳۹۸: «بررسی و نقد دیدگاه مفسران از قرن سوم تا پنجم در خصوص عتاب در سوره عبس»؛ در این مقاله دیدگاه وجود دو عتاب در آیات نخستین سوره عبس پذیرفته شده‌است. (طالب‌تاش، ۱۳۹۸: ۲۱۴). «تحلیل و نقد تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن کریم (مطالعه موردی سخن سیدمرتضی در تفسیر آیات نخستین سوره عبس)»؛ در این مقاله دیدگاه سید مرتضی بر عتاب شخصی غیر از پیامبر در آیات نخستین سوره عبس، ناشی از مبانی کلامی سیدمرتضی درباره عصمت انبیاء

ارزیابی می‌شود. در نهایت مخاطب عتاب در همه آیات، پیامبر (ص) دانسته می‌شود. (سلطانی رنانی، ۱۳۹۸: ۹۲).

سال ۱۳۹۹: «تحلیل پیرامون عتاب پیامبر ص در سوره عبس»؛ در این مقاله، عتاب در دو آیه نخست متوجه شخصی غیر از پیامبر و در آیات بعد متوجه پیامبر (ص) دانسته می‌شود. (طاهری، ۱۳۹۹: ۱۵). «قواعد در تفسیر سوره عبس بر اساس تفسیر المیزان»؛ این مقاله بر آن است که سوره عبس مشتمل بر «عتاب شدید خداوند نسبت به کسی که در برابر مرد نابینایی حقیقت‌جوی برخورد مناسبی نداشت» است. (موحدی و ماهرزاده، ۱۳۹۹: ۸۱).

سال ۱۴۰۰: «واکاوی چالش کلامی و اخلاقی تفسیر آیات ۱ - ۱۰ سوره عبس از نگاه فریقین»؛ در این مقاله عتاب در دو آیه اول نسبت به شخصی غیر از پیامبر (ص) و عتاب در آیات سوم تا دهم، عتاب پیامبر (ص) نسبت به همان شخص دانسته می‌شود. (ورمزیار، ۱۴۰۰: ۱۲۵).

سال ۱۴۰۱: «اسطوره‌شناسی جزء سی ام قرآن کریم با تکیه بر نظریه رولان بارت (مطالعه موردی سوره‌های نازعات، عبس، شمس، تین)»؛ این مقاله به این نتیجه می‌انجامد که «سوره عبس، امر به معروف را بر اساس درخواست و احساس نیاز انسان‌های طالب حقیقت سفارش می‌کند و نه براساس تمایلات شخص آمر به معروف» (زریوند و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵) و این سوره از «قضاوت و انتخاب خودسرانه افراد برای امر به معروف» و «از هر گونه پیش‌داوری در باب آگاه کردن دیگران نهی می‌کند. (همان: ۲۳ و ۲۹).

سال ۱۴۰۲: «تصویرسازی برای تسهیل تغییر انگاره مخاطبان قرآن، در چارچوب تفسیر فرهنگی - ارتباطی سوره عبس»؛ در این مقاله درباره آیات اول تا دهم آمده، این آیات «در صدد تغییر نگرش پیامبر اکرم در مورد ملاک‌های ارجحیت دعوت مخاطبان است.» (امامی و غفاری، ۱۴۰۲: ۱۳). «واکاوی سبب نزول آیات اولیه سوره عبس در تفاسیر فریقین»؛ در این مقاله مرجع ضمیر مفرد مخاطب در عبارت «ما یذریک» را به شخصی غیر از پیامبر (ص) بازگردانده می‌شود. (نیکوئی، ۱۴۰۲: ۷۹).

سال ۱۴۰۴: «تحلیل نشانه معناشناختی گفتمان سوره عبس»؛ در این مقاله، مخاطب ده آیه نخست سوره عبس پیامبر (ص) دانسته شده است. (حمیرائی و زارعی‌فر، ۱۴۰۴: ۱۵۰). «نقد ترجمه‌های قرآن در پرتو تأملات سیاقی، شأن نزول و تناسب آیات (بررسی موردی: آیات ابتدایی سوره عبس، آیه تطهیر، آیه اكمال دین)»؛ در این مقاله مخاطب دو آیه نخست شخصی غیر از پیامبر و مخاطب آیات سوم تا دهم، پیامبر (ص) دانسته می‌شود.

• بررسی آیات سوره عبس در پرتو انسجام آیات در سوره

آیات اول تا چهارم با توجه به سبک بیانی قرآن

دو فعل «عبس» و «تولی» که به معنی چهره در هم کشیدن و پشت کردن است، بر اعلام «اکراه» و «بی‌توجهی» به مخاطب دلالت دارد. در این ماجرا، پرسش اصلی این است که چه کسی چنین رفتاری

را با چشم مشاهده نموده و نسبت به او اعلام «اکراه» و «بی توجهی» شده است؟ این آیات در صدد دلجویی از چه کسی هستند؟ مسلماً تازه‌وارد به دلیل نابینا بودن، چیزی ندیده است و شاهد این رفتار بوده، دردانه آفرینش، پیامبر (ص) بوده است. ایشان که در تلاش برای هدایت مخاطب بودند، در مقابل این تلاش، به خاطر آمدن نابینا به سمت پیامبر (ص)، مخاطب بر ایشان چهره عبوس نموده و پشت کرده است و درواقع این آیه بسان ده‌ها آیه‌ای است که در آنها سخن از «تولی» و پشت کردن به رسول خدا (ص) مطرح است. (نجم: ۳۳؛ غاشیه: ۲۳؛ یونس: ۷۲؛ نساء: ۸۰؛ مائده: ۹۲ و ...) و نشان آنکه پیامبر (ص) از ایمان نیاوردن آزرده‌خاطر شده‌اند، نخست آیاتی است که بر حزن، حسرت و دل‌تنگ شدن پیامبر (ص) به خاطر ایمان نیاوردن کافران دلالت دارد (آل عمران: ۱۷۶؛ مائده: ۴۱؛ انعام: ۳۳؛ لقمان: ۲۳؛ فاطر: ۸؛ حجر: ۹۷ و ...) و دیگر آن است که در آیات بعد خطاب به ایشان بیان می‌گردد «وَمَا يَذْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَرْكٰى * اَوْ يَذْكُرُ فِتْنٰنَهُ الذِّكْرٰى» (عبس: ۳ و ۴) این آیات، در مقام «دل‌داری دادن» به پیامبر (ص) بیان می‌دارند که ای پیامبر که بسیار مشتاق ایمان آوردن مخاطب خود بودی، ناراحت نباش، شاید که تازه‌وارد مخاطب بهتری باشد، او پاک شود و یا پند پذیرد و «الذِّكْرٰى» یعنی قرآن او را سودمند افتد.

تلقی دل‌داری دادن پیامبر در آیات «وَمَا يَذْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَرْكٰى * اَوْ يَذْكُرُ فِتْنٰنَهُ الذِّكْرٰى» علت تغییر موضوع از رفتار نامناسب به امید پیامبر به ایمان شخصی دیگر را تبیین می‌کند. همچنین از قرینه یادکرد قرآن در این آیات «الذِّكْرٰى» و نیز دفاع از جایگاه قرآن در آیات «كَلَّا اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ...» (عبس: ۱۱ و ۱۲) فهمیده می‌شود پیامبر در حال قرائت قرآن بر مخاطب بوده‌اند و مخاطب، در حالی که ایشان در حال قرائت قرآن بوده‌اند روی ترش نموده و پشت کرده است. (صبحی طسوجی، ۱۴۰۰: ج ۵: ۲۴۵).

آیات پنجم تا دهم با توجه به انسجام و سبک بیانی قرآن

در آیات پنجم تا دهم رفتار دوگانه مخاطبان به تصویر کشیده می‌شود. در مقابل چهره درهم‌کشیدن و پشت کردن مخاطب نخست، رفتار کسی بیان می‌گردد که با اشتیاق به سوی پیامبر (ص) می‌آید و نیز در مقابل «استغنائی» مخاطب نخست، وصف «خشیت» مخاطب تازه‌وارد مطرح می‌شود. براساس آیات قرآن حس استغنا، عامل اصلی طغیان و سرکشی است. (علق: ۶ و ۷) در مقابل، «خشیت» عاملی برای «تذکر» پذیرفتن از ذکر یعنی کلام الهی است. (اعلی: ۱۰؛ طه: ۳) بدین ترتیب روشن می‌شود که علت روی‌گردانی مخاطب نخست، حس «استغنائی» او بوده و عامل امید به هدایت تازه‌وارد «خشیت» او است؛ از این‌رو در هدایت نشدن مخاطب نخست، مشکلی در هدایت‌گری پیامبر (ص) وجود ندارد که سبب شود ایشان به علت هدایت نشدن او خود را مسئول بدانند.

در این آیات، از سوی دیگر تعامل پیامبر (ص) با مخاطب مستغنی، «توجه»، «فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّيْ» (عبس: ۶) و با شخص دیگر، «بی توجهی» «فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى» (عبس: ۷) توصیف شده است. نکته مهم درباره این آیات این است که هدف از نزول آنها، عتاب پیامبر (ص) و اصلاح رفتار ایشان نیست بلکه هدف

از نزول آنها اولاً خارج کردن مسئولیت هدایت شدن فرد خاطی از عهده پیامبر (ص) است و ثانیاً دلداری دادن به پیامبر (ص) به خاطر عدم ایمان مخاطب است و ثالثاً با دلالت ضمنی بر بی‌اهمیت بودن هدایت شدن مخاطب بدرفتار، سبب خارج کردن او از حس مهم بودن می‌شود و تحقیر او را در بردارد. سخن در تبیین این اهداف در دو بخش دنبال زیر دنبال می‌شود:

عدم دلالت آیات پنجم تا هفتم بر عتاب

آیه «فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى» بر «توجه و علاقه» پیامبر بر ایمان آوردن شخص غیرمؤمنی دلالت دارد و از این رو همراستا با آیاتی قرار می‌گیرد که بر چنین اشتیاقی دلالت دارند. برخی از این آیات عبارتند از:

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (یوسف: ۱۰۳).

إِنْ تَخْرُسْ عَلَىٰ هَذَا هُمْ ... (نحل: ۳۷).

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ ... (قصص: ۵۶).

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (شعراء: ۳).

درباره آیاتی که بر اشتیاق پیامبر (ص) بر ایمان آوردن غیرمؤمنان دلالت دارند این نکته قابل توجه است که بسیاری از آنها، به ظاهر به شکلی «عتاب‌گون» بیان شده‌اند، اما درواقع هیچ یک از آنها بر وجود اشکال در مسئله شوق و علاقه پیامبر (ص) به ایمان آوردن کافران دلالت ندارند و به عبارت دیگر، هدف هیچ یک از این آیات عتاب پیامبر (ص) و اصلاح رفتار ایشان در اجرای امر رسالت نیست. دلیل این مسئله آن است که نزول این دست آیات از عهد مکی آغاز شده و تا آخرین سوره‌های نازل شده در مدینه ادامه دارد (فاطر: ۸؛ شعراء: ۳؛ انعام: ۳۵؛ لقمان: ۲۳؛ بقره: ۲۷۲؛ آل عمران: ۱۷۶؛ مائده: ۴۱) و اگر این آیات بر نهی پیامبر از علاقه به ایمان غیرمؤمنان و عتاب ایشان دلالت داشت، مسلماً پیامبر نهی و عتاب خویش را می‌فهمیدند و در نتیجه رویه و روش خود را در امر رسالت تغییر می‌دادند و پس از نزول نخستین آیات در این باره، بستر و زمینه نزول بقیه آیات فراهم نمی‌شد. نکته دیگر آنکه مفسران پیام این آیات را تأکید بر «مقصر و مسئول نبودن پیامبر (ص) در هدایت نشدن گروهی» و «رهانیدن پیامبر از اندوه به خاطر عدم ایمان غیرمؤمنان» و «تسلی خاطر ایشان» دانسته‌اند. (طوسی، بی‌تا: ج ۶: ۲۰۱ و ۳۸۱؛ قاضی عبدالجبار، ۲۰۰۹م: ج ۲: ۴۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳: ۳۰۱ و ج ۶: ۵۵۴ و ج ۷: ۲۸۸؛ ابن عطیه، ج ۲: ۱۹۰ و ج ۴: ۲۲۴؛ ابو حیان، ۱۴۲۰: ج ۸: ۲۶۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۹: ۲۷۱؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۵: ۲۵۸۳؛ طباطبایی: ج ۱۷: ۱۹ و ج ۱۳: ۲۴۰ و ج ۱۵: ۲۵۰؛ فضل الله، ۱۴۳۹: ج ۱۰: ۱۹۲ و ۳۶۶، ج ۱۴: ۶۶).

نتیجه آنکه اولاً آیه «فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى» تنها آیه‌ای از قرآن نیست که توجه و اشتیاق پیامبر (ص) بر هدایت غیرمؤمنان را می‌رساند. ثانیاً این آیات، گرچه به ظاهر بر عتاب پیامبر (ص) دلالت دارند اما هدف و پیام آنها، «برداشتن بار مسئولیت هدایت نشدن گروهی از عهده پیامبر (ص)» و «تسلی خاطر دادن به ایشان» است و برای توصیه به پیامبر (ص) در تغییر رویه خود در مسیر انجام رسالت نازل نشده‌اند.

درباره آیه بعد یعنی «وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي» (عبس: ۷) باید گفت این آیه در جمله آیاتی قرار می‌گیرد که به شکل مستقیم، مسئولیت هدایت شدن را از عهده پیامبر (ص) بر می‌دارد و پیامبر (ص) را در هدایت نشدن مردم غیرمسئول معرفی می‌نماید. از جمله این آیات می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمِّي عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ... (نمل: ۸۱).
... أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ * ... أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمِّي وَ لَوْ كَانُوا لَا يَبْصِرُونَ (یونس: ۴۲ و ۴۳).

... أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (یونس: ۹۹).
لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ ... (بقره: ۲۷۲ و نیز فرقان: ۳۳؛ زمر: ۱۹؛ شوری: ۶ و ۴۸؛ زخرف: ۴۰؛ ذاریات: ۵۴؛ غاشیه: ۲۲؛ روم: ۵۲ و ۵۳؛ انعام: ۳۵؛ نساء: ۸۰؛ مائده: ۴۱).
آیات فوق به مانند آیه «وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي» (عبس: ۷) در قالب بیانی نفی نازل شده‌اند و با این وجود، هیچ یک بر عتاب و مؤاخذه پیامبر (ص) به خاطر تلاش برای هدایت مردم دلالت ندارند بلکه این آیات در صدد هستند، بار مسئولیت هدایت‌پذیری مخاطبان را از عهده پیامبر (ص) خارج سازند و ایشان را در این باره غیرمسئول معرفی کنند و نیز ایشان را به خاطر عدم ایمان مخاطبان تسلی خاطر دهند. (طوسی، بی‌تا: ج ۵: ۴۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳: ۱۲۴ و ج ۵: ۲۰۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰: ۱۵۰؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۲: ۴۳۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۹: ۲۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۰: ۳۰۲ و ج ۷: ۸۰؛ ابن عاشور، ج ۲: ۷۹؛ دروزه، ۱۴۲۱: ج ۳: ۳۰۰).

بنابراین می‌توان گفت آیه «وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي» (عبس: ۷) نیز به مانند آیات فوق، بر عتاب پیامبر (ص) دلالت ندارد؛ بلکه پیام این آیه آن است که اعلام نماید هدایت شدن مردم خارج از محدوده مسئولیت پیامبر (ص) است و ایشان را به خاطر ایمان نیاوردن عده‌ای تسلی خاطر دهد.
نکته دیگری که می‌تواند در روشن شدن معنای آیات «فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى * وَ مَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي» (عبس: ۶ و ۷) و آیات پس از آن موثر باشد، توجه به باهم‌آیی موضوعات در قرآن است. (رک: دهقانی قناتستانی، ۱۴۰۱: ص ۱۵۵ - ۱۲۱؛ دهقانی قناتستانی و فقهی‌زاده، ۱۴۰۵) توضیح آنکه محور اصلی آیه اول سوره عبس «عَبَسَ وَ تَوَلَّى»، پشت کردن و بی‌اعتنایی نسبت به هدایت‌گری پیامبر (ص) است. در برخی دیگر از آیات قرآن نیز سخن از این موضوع دیده می‌شود. بررسی این آیات نشان می‌دهد که پس از طرح مسئله «بی‌اعتنایی و بی‌توجهی» در قرآن کریم یکی از مسائل زیر مطرح شده است:

۴. (مسئول نبودن پیامبر (ص) در هدایت افراد
... وَ إِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ ... (آل عمران: ۲۰ و نیز نحل: ۸۲؛ مائده: ۹۲؛ تغابن: ۱۲؛ نساء: ۸۰؛ روم: ۵۲؛ نمل: ۸۰ و ۸۱؛ نور: ۵۴).

در این آیات مسئله «تولی» با مسئله «مسئول نبودن پیامبر (ص) در هدایت‌پذیری مخاطبان» پیوند خورده است. مفسران طرح مسئله اخیر را در راستای «تسلی خاطر» پیامبر (ص) به خاطر عدم ایمان

عده‌ای تحلیل کرده‌اند. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۱۰: ۴۱؛ ابن عطیه، ج ۴: ۲۶۹؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۴: ۲۵۲۸ و ج ۵: ۲۶۶۶؛ ابن عاشور، ج ۱۹: ۳۰۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ج ۷: ۵۰۵؛ دروزه، ۱۴۲۱: ج ۵: ۴۶۱).

۵. توجه دادن به یاری خداوند

... وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بقره: ۱۳۷ و نیز انفال: ۴۰: توبه: ۱۲۹؛ توبه: ۵۰ و ۵۱؛ یونس: ۷۲؛ مائده: ۵۶).

در آیات فوق مسئله «تولی» با سخن از یاری خداوند پیوند خورده است. این آیات نیز به هدف تسلی خاطر پیامبر و قوی‌سازی ایشان و مؤمنان در مقابل مخالفت‌ها و انکارها نازل شده است. (ابو الفتوح، ۱۴۰۸: ج ۲: ۱۸۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۱: ۱۰۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ج ۱: ۱۹۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱: ۳۹۴).

۶. (توجه دادن به عذاب الهی

... وَ إِنْ يَتَوَلَّوْا يَعْذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ... (توبه: ۷۴ و نیز مائده: ۴۹ طه: ۴۸؛ توبه: ۳؛ انبیاء: ۱۰۹؛ لقمان: ۷؛ معارج: ۱۶ و ۱۷؛ لیل: ۱۵ و ۱۶؛ هود: ۳؛ دخان: ۱۶-۱۴؛ فتح: ۱۶ و ۱۷).

در آیات فوق مسئله «تولی» با طرح مسئله عذاب همراه شده است. در برخی از موارد مانند آیات هفتم تا نهم سوره لقمان به همراه اشاره به عذاب الهی، به «عاقبت نیکوی مؤمنان» نیز اشاره شده است.

۷. (توجه دادن به مراحل آفرینش، در راستای اثبات امکان رستاخیز

وَ لَكِنْ كَذَبَ وَ تَوَلَّى * ... * أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى * فَجَعَلَ مِنْهُ الرُّوحَ الْجَبِينِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى * أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُخْيِيَ الْمَوْتَى (قیامت: ۴۰ - ۳۲).

۸. (توجه دادن به نعمتهای الهی و کفران نعمت از سوی گرداننده

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ * يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَ أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (نحل: ۸۲ و ۸۳).

۹. (خارج کردن مخاطب از پندار مهم بودن

خارج کردن مخاطب از پندار «مهم و ویژه بودن» با تعبیر مختلفی دیده می‌شود: گاه با اشاره به این نکته که گروهی بهتر جایگزین آنها می‌شود و گاه با معرفی وی به کفر و فسق و فساد و ... و گاه با اشاره به بی‌نیازی خداوند از آنها و پسندیده بودن صفات او.

۱-۹. جایگزین شدن اقوام بهتر:

... وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد: ۳۸).

این آیه، حس ویژه و خاص و مهم بودن را از مخاطب می‌گیرد و برتری را به سوی اطاعت و فرمانبرداری می‌کشانند. (طبری، ۱۴۲۲: ج ۲۱: ۴۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۱۰: ۳۲۹۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۳: ۳۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۱۶۴).

۲-۹. معرفی مخاطب روی گردان:

... فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ الْكَافِرِينَ (آل عمران: ۳۲؛ و نیز آل عمران: ۶۳ و ۸۲؛ توبه: ۲۳؛ نور: ۴۷).

در این آیات «تولی» و روی گرداندن به وجود صفات کفر، فساد، فسق، ظلم و کفر و عدم ایمان تحلیل می شود. چنین تحلیلی از یک سو نشان دهنده نارضایتی الهی از روی گردان ها است (طبرانی، ۲۰۰۸: ج ۲: ۴۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳: ۵۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۲: ۱۲۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۱: ۳۸۷) و از سوی دیگر می تواند در راستای «خارج کردن مخاطب از پندار برتر و مورد توجه بودن» تحلیل شود. مراغی در این باره چنین گوید:

«... فلا یرضی عنهم، بل یبعدهم عن جوار قدسه و حظیره عزته، و یسخط علیهم یوم یرضی عن المؤمنین به المطیعین لنبيه، المتبعین لما جاء به من عند ربه.» (مراغی، بی تا: ج ۳: ۱۴۱).

۳-۹. معرفی خداوند:

... وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (ممتحنه: ۶ و نیز تغابن: ۶؛ حدید: ۲۴).

این آیات بر این نکته دلالت دارند اگر کسانی روی گردان شدند، خداوند از ایمان آنها بی نیاز است و رفتار آنها بر پسندیده بودن خداوند خدشه ای وارد نمی کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹: ۴۶۹؛ ابن عربی، ج ۲: ۳۲۲؛ ابن کثیر، ج ۸: ۱۱۷) به عبارت دیگر روی گردان شدن آنها زبانی را متوجه خداوند نمی کند، بلکه ضرر روی گردان شدن به خود آنها باز می گردد. (طوسی، بی تا: ج ۹: ۵۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۴۰۸؛ ابن عطیه، ج ۵: ۳۱۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ج ۵: ۱۳۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ج ۹: ۲۰۶) اشاره به «بی نیازی و پسندیدگی خداوند» نیز می تواند در راستای «خارج کردن مخاطب از پندار برتر بودن» تحلیل گردد. (فضل الله، ۱۴۳۹: ج ۲۲: ۴۳).

در برخی از موارد پس از طرح مسئله «تولی»، چند موضوع از مجموعه موضوعات شش گانه فوق دیده می شود. برای مثال در آیه زیر

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْغَضْتُمْ بِي أَرْسَلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (هود: ۵۷).

مسئله «تولی» با طرح چهار محور از محورهای فوق همراه شده است:

محدود بودن مسئولیت پیامبر و بی تقصیر بودن پیامبر در هدایت نشدن گروهی «فَقَدْ أَبْغَضْتُمْ بِي أَرْسَلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ»

تهدید به نابودی «وَ يَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ»

بی نیازی خداوند و عدم زیان روی برگردانی آنها به خداوند «لَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا»

اشاره به یاری خداوند «إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» (طبری، ۱۴۲۲: ج ۱۲: ۳۷؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ج ۳: ۴۴۰؛ ماتریدی، ج ۶: ۱۴۶؛ طوسی، بی تا: ج ۶: ۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۵: ۱۷۵؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۲: ۴۵۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۸: ۳۶۵).

حضور چند موضوع از موضوعات پیش گفته همراه با طرح مسئله «تولی» در آیه ۲۰ سوره آل عمران، آیات ۸۲ تا ۸۴ سوره نحل، آیات ۵۰ تا ۵۷ سوره روم، آیات ۱۷ تا ۲۶ سوره غاشیه نیز دیده می‌شود. در سوره عبس، مسئله «تولی» و روی گردانی از رسول خدا (ص)، در آغاز سوره مطرح شده است. نگاه ادیبان و مفسران، مسائل مطرح شده در آغاز سوره نشان دهنده جهت گیری اصلی سوره است. (مؤید بالله، ۱۳۳۲: ج ۲: ۲۶۶ و ۲۶۷؛ حسینی، ۱۳۸۷: ۷۷۳؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۱: ۴۳۶ و ج ۲: ۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴: ۷۴ و ج ۱۶: ۲۴۳؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۰: ۱۲۷؛ مسلم، ۱۴۳۱: ج ۸: ۱۴۶؛ ابن عاشور، ج ۲۸: ۱۸۵ و ج ۲۹: ۳۱۳ و ج ۳۰: ۳۷۳؛ سبزواری، ۱۴۰۹: ج ۵: ۶؛ معرفت، ۱۳۸۸: ج ۵: ۲۲۵) براساس روایات نیز، بی‌توجهی به آنچه کلام الهی بدان آغاز شده، عامل کج فهمی قرآن است. (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ج ۱: ۳۸) گزینش صورت گرفته برای شروع سوره و پیوند این مطلع با کل محتوای سوره مسلماً در سوره‌های کوتاهی مانند سوره عبس، به شکلی روشن‌تر قابل طرح و پیگیری است. براین اساس، نه تنها در سوره عبس، چندگانگی و آشفتگی موضوعی وجود ندارد بلکه همه مطالب طرح شده در این سوره در پیوند با مطلع این سوره یعنی نوع رفتار نامناسب مخاطب نسبت به پیامبر (ص) و چهره عبوس کردن و پشت کردن او به پیامبر (ص) در حالی که ایشان در حال ارشاد او بودند قرار دارد.

نقش آفرینی آیه آغازین یعنی «عبس و تولی» در جهت‌دهی به بقیه آیات سوره عبس سبب شده از یک سو بقیه آیات این سوره در جهت مسئله «تولی» قرار گیرند و از سوی بسیاری از مسائل باهم آیند بحث «تولی» در دیگر سوره‌های قرآن در سوره عبس دیده می‌شود. برای مثال آیات میانی سوره به ناسپاسی در مقابل نعمت‌های الهی توجه می‌دهد و به مراحل آفرینش در راستای بحث رستاخیز اشاره می‌کند و آیات انتهایی سوره به عاقبت نیکوی مؤمنان و عذاب اخروی خطاکاران می‌پردازد.

عدم دلالت آیات هشتم تا دهم بر عتاب

آیات فوق در پیوند تنگاتنگ ادبی با آیات پیش از خود یعنی «أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى * فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى * وَ مَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي» (عبس: ۷-۵) قرار دارند. کلمه «أَمَّا» که در مطلع هر دو بخش قرار گرفته است، موجب پیوند ادبی این دو بخش از سوره می‌شود و سبب می‌گردد که معنای این دو بخش و پیام آن دو متفاوت از یکدیگر نباشد بلکه از مجموع آنها یک معنا و پیام اراده شده باشد. بنابراین نمی‌توان برای این آیات معنا و مرادی متفاوت با آیات پیشین در نظر گرفت بلکه لازم است پیام این دو بخش، در یک راستا و تکمیل‌گر یکدیگر باشند.

نکته مهمتر آنکه توجه به موضوعات با هم آیند مسئله «تولی» در سوره‌های دیگر قرآن - که در بخش پیشین به آنها اشاره شد - نیز می‌تواند در تبیین دلالت این آیات مفید باشد. در این راستا می‌توان، این آیات را در محور «خارج کردن مخاطب از پندار مهم بودن» تحلیل نمود و پیام آنها را «بی‌نیازی از ایمان مخاطب بد رفتار» دانست. توضیح آنکه، در این آیات دستور به لزوم توجه به شخص علاقمند، به هدف القای عدم اهمیت شخص مستغنی بیان شده است. نظیر این سبک بیانی در آیه زیر نیز مشاهده است:

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (حجر: ۸۸).

در آیه فوق، به مانند آیات پنج تا هفت سوره عبس، ابتدا پیامبر (ص) به «عدم توجه به ثروتمندان» و «تلاش برای هدایت آنها» توصیه می‌شوند و پس از آن به «توجه به مؤمنان» دستور داده می‌شوند. گزینش تعبیر «خَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» که دلالت بر توجه ویژه به مؤمنان و ویژه‌سازی آنان دارد، به مخاطب ثروتمند این نکته را القا می‌کند - که برخلاف آنچه که نسبت به خود گمان می‌بردند - گروه ویژه و خاص نیستند و از این رو از یک سو روی برگردانی او اهمیتی ندارد و از سوی دیگر جا ندارد که خودبرتربینانه روی برگردانی پیامبر از مشتاقانه تهی‌دست را بخواهد.

در دیگر آیات قرآن نیز به مانند آیات فوق، عدم توجه به ثروتمندان با مسئله لزوم توجه به مؤمنان پیوند خورده و دوگانه «ضرورت توجه به مؤمنان» و «عدم اهتمام به هدایت مخالفان» شکل گرفته‌است. (کهف: ۲۸؛ شعراء: ۲۱۵ و ۲۱۶؛ انعام: ۵۲) علامه طباطبایی درباره آیه ۵۲ سوره انعام بیان می‌کنند: آنچه از ظاهر سیاق آیه برمی‌آید و آیه بعدی هم که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ...» آن را تأیید می‌کند، این است که مشرکین معاصر رسول الله (ص)، از آن جناب توقع داشته و پیشنهاد می‌کرده‌اند که این یک مشقت فقیر و بیچاره‌ای که دور خود جمع کرده‌ای، متفرق ساز.

خلاصه تحلیل این آیات این است که دستور به توجه به مؤمنان، مسئله‌ای مستقل و نقطه تمرکز اصلی نیست؛ بلکه در مقابل «درخواست‌های خودبرتربینانه مخاطب یا اعلان روی گردانی از پیامبر» خطاب به ایشان دو نکته بیان می‌گردد: نخست سخن از «لزوم عدم توجه به غیرمؤمنان» پیش می‌آید و سپس «ضرورت توجه به مؤمنان» طرح می‌شود. بنابراین طرح مسئله «ضرورت توجه به مؤمنان» مسئله مستقلی نیست و این آیات به دنبال تصحیح رفتار پیامبر (ص) در مواجهه با مؤمنان نیستند بلکه در راستای خودبرتربینی عده‌ای برای خارج ساختن آنها از محدوده اهمیت، از یک سو «بی‌توجهی به آنان» و «عدم مسئول بودن پیامبر (ص) در هدایت آنان» مطرح می‌شود و از سوی دیگر «ضرورت توجه به مؤمنان» مطرح می‌شود و مسئله اخیر، نه به هدف تصحیح رفتار پیامبر (ص) بلکه به هدف القاء عدم اهمیت گروه خودبرتر مطرح می‌شود.

تکرار در فرمان «توجه به مؤمنان» در آیات متعدد نیز قرینه‌ای دیگر بر این نکته‌است که هدف اصلی از این آیات اصلاح رفتار پیامبر (ص) نیست. چه اینکه اگر به واقع هدف این آیات، اصلاح و ارتقاء نوع رفتار پیامبر (ص) در برخورد با مؤمنان بود، بی‌شک با اولین بار نزول آیه‌ای در این باره، اصلاح و ارتقاء رفتار پیامبر (ص) صورت می‌گرفت و نیازی به تکرار چندباره این مسئله نبود. غیر از آنکه با توجه به «خلق عظیم» و «اسوه حسنه» بودن پیامبر و لزوم «تبعیت» از ایشان و نیز میزان و معیار سنجش بودن آن حضرت (قلم: ۴؛ احزاب: ۲۱؛ بقره: ۱۴۳؛ آل عمران: ۳۱)، اساساً پذیرش یک بار خطا در رفتار با مؤمنان نیز غیرقابل قبول است؛ چه رسد به آنکه نیاز باشد بارها در راستای این اصلاح به ایشان تذکر داده شود. بنابراین هدف و دلالت این آیات که پیامبر (ص) را به توجه به مؤمنان دستور می‌دهد

یا به ظاهر به خاطر بی‌توجهی عتاب می‌کند وجود اشکالی در رفتار پیامبر و تلاش برای اصلاح و ارتقاء رفتار ایشان در مواجهه با مؤمنان نیست.

شایان ذکر است خطاب به پیامبر به شکل عتاب یا نهی، به هدف مواخذة دیگری، سبک بیانی شناخته شده‌ای در قرآن است. برای مثال با وجود آنکه مخاطب عتاب در دو آیه زیر، پیامبر (ص) هستند ولی هدف از این عتاب، عتاب شخص دیگری غیر پیامبر (ص) است:

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمُ الْكَافِرِينَ (توبه: ۴۳).

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (تحریم: ۱).

آیات رعد: ۳۷؛ غافر: ۵۵؛ انعام: ۱۴ و ۱۱۴ و ۱۵۰؛ قصص: ۸۶ و ۸۸؛ بقره: ۱۲۰ و ۱۴۵ و ۱۴۷؛ یونس: ۹۴؛ آل عمران: ۶۰؛ هود: ۱۷؛ سجده: ۲۳؛ مائده: ۴۸ و ۴۹؛ شوری: ۱۵؛ جاثیه: ۱۸؛ مدثر: ۶؛ احزاب: ۱ و ۴۸؛ کهف: ۲۸؛ فرقان: ۵۲؛ قلم: ۱۰؛ انسان: ۲۴؛ اسراء: ۲۲ و ۳۹؛ شعراء: ۲۱۳؛ ذاریات: ۵۱ همچون دو آیه فوق هستند.

بنابراین سبک بیانی خطاب به پیامبر (ص) «وَ أَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى * وَ هُوَ يَخْشَى * فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى» (عبس: ۱۰ - ۸) به هدفی توییخ شخصی دیگر، سبک بیانی شناخته شده و متداول در قرآن است. روایت امام صادق (ع) و امام رضا (ع) «يَايَاكَ أَعْنِي وَ أَسْمَعِي يَا جَارَةً» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱: ۲۰۲؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۲: ۱۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۶۳۱) تأیید کننده این نکته است.

حاصل سخن آنکه هدف در آیات هشتم تا دهم سوره عبس توییخ شخص روی گرداننده است و در راستای کاستن اهمیت وی که در مقابل پیامبر (ص) چهره در هم کشیده و به ایشان پشت نموده بود نازل شده است. همزمان با این هدف، خطاب قرار دادن پیامبر (ص) نیز بی‌وجه نبوده است. چه اینکه سبب شده این جملات بر دل‌داری دادن پیامبر (ص) در مقابل رفتار نامناسب دلالت کند. به مانند زمانی که عاشقی به معشوق خود که از موضوعی رنجیده است بگوید: «برای چه به فلان موضوع توجه نداری؟» این سخن او از یک سو بر کم اهمیت بودن موضوع نخست دلالت دارد و از سوی دیگر دل‌داری او به وسیله منصرف کردن او به موضوعی جدید است. شایان ذکر است خطاب کسی به هدف مخاطب قرار دادن دیگری به همراه رساندن پیامی به مخاطب اصلی، از فنون ادبی محسوب می‌شود. این صنعت ادبی در علم معانی تحت عنوان «تعریض» معرفی می‌گردد. (سکاکی، ۱۴۲۲: ج ۲: ۳۵۸؛ اسفراینی، ۱۴۳۲: ج ۲: ۲۶۵).

نکته دیگر درباره آیات هشتم تا دهم سوره عبس و عدم دلالت آیه «فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى» بر وجود خطایی در رفتار پیامبر و عتاب ایشان به خاطر آن، این است که در قرآن کریم «تلهی و غفلت از یاد خداوند» مذموم دانسته شده است. (منافقون: ۹؛ نور: ۳۷) بنابراین چنانچه پیامبر در این ماجرا، از یاد خداوند غافل نبوده باشند، غفلت از دیگری، نمی‌توان خطاء و اشتباه در رفتار ایشان را ثابت نمود.

آیات یازدهم تا شانزدهم با توجه به انسجام و سبک بیانی قرآن

آیات فوق با «کلاً» یعنی ردع و بازداشت شروع می‌شود و پس از آن، اولاً سخن از اثرگذاری قرآن در کسانی که اراده هدایت شدن داشته باشند، پیش می‌آید و ثانیاً درباره عظمت و جایگاه ویژه قرآن در ملاً اعلی سخن گفته می‌شود. مفسران ردع و بازداشت در آغاز این آیات را به آیات پیشین یعنی به تصدی امر مستغنی و بی‌توجهی به مخاطب مشتاق و یا به طور کلی چهره در هم کشیدن و پشت نمودن و دیگر نکات مطرح در آیات قبل بازگردانده‌اند. (سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۳: ۵۴۷؛ طبری، ۱۴۲۲: ج ۳۰: ۳۴؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۱۰، ۴۲۱؛ دروزه، ۱۴۲۱: ج ۲: ۱۲۱؛ حبکه، ۱۴۲۰: ج ۲: ۲۲۴؛ خطیب، ج ۱۶: ۱۴۵۱؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۵: ج ۳۰: ۱۱۶) برای مثال علامه طباطبایی در این باره گویند: «ردع عما عوتب علیه من العبوس و التولی و التصدی لمن استغنی و التلهی عن یخشی». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲۰: ۲۰۱).

درباره این آیات باید گفت اولاً با توجه به آنکه بعد از ردع، سخن از جایگاه و منزلت قرآن به میان آمده‌است، ردع سرآغاز آنها، نهی و بازداشت از خودبرتر بینی و بی‌احترامی به قرآن است؛ ثانیاً در این آیات سخن از پند و تذکر بودن قرآن و وابسته بودن بهرمندی از آن به خواست فرد به میان آمده‌است. به این معنا که بهرمندی و یا بی‌بهره ماندن از هدایت قرآن به نقص در قرآن یا پیامبر (ص) مربوط نیست بلکه قرآن در اصل خود موعظه‌است، اما تنها کسانی که سر بهرمندی از آن را داشته باشند از هدایت آن برخوردار می‌شوند و کسانی که مستغنیانه برخورد کنند، از آن بی‌بهره خواهند ماند.

نکته دیگر آنکه در موارد متعددی در قرآن مخالفت و دشمنی با پیامبر (ص) به عنوان مخالفت و دشمنی با خداوند و قرآن تحلیل می‌شود. (انعام: ۳۳؛ مزمل: ۱۰-۱۱؛ منافقون: ۷-۸؛ یونس: ۶۵) در سوره عبس نیز سخن از روی‌ترش کردن بر پیامبر و پشت کردن به ایشان، به شان والای قرآن منتقل می‌شود و درواقع این نکته را می‌رساند که مخالفت شخص خاطی، مخالفت با قرآن بوده‌است. این شکل تحلیل مشکل، متضمن تقویت و تسلی خاطر پیامبر (ص) است.

آیات هفدهم تا سی و دوم با توجه به انسجام و سبک بیانی قرآن

در این آیات ابتدا سخن از ناسپاسی انسان پیش می‌آید و در این راستا به تبیین نعمت‌های عطا شده به او پرداخته می‌شود. چنانکه پیشتر اشاره شد «توجه دادن کفران نعمت‌های الهی به وسیله روی‌گردانده» یکی از محورهای شش‌گانه‌ای است که پس از بحث «تولی» در قرآن مطرح شده‌است. بنابراین این آیات در انسجامی کامل با آغاز سوره و بحث «تولی» هستند.

علاوه بر این تبیین جایگاه انسان به تحت سیطره بودن و نیازمندی، جایگاه او را در مقابل جایگاه والای قرآن «فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ * مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (عبس: ۱۶-۱۳) قرار می‌دهد و این نکته را اثبات می‌کند که او که سراسر نیاز است، دارای شان و منزلتی نیست که بتواند مستغنیانه در مقابل پیام هدایت قرآن ابراز بی‌نیازی و بی‌توجهی کند.

آیات سی و سوم تا پایان سوره با توجه به انسجام و سبک بیانی قرآن

در این آیات رستاخیز به تصویر کشیده می‌شود و به عذاب الهی و عاقبت نیک مؤمنان توجه داده می‌شود. بحث «عذاب الهی» به همراه توجه به عاقبت نیک مؤمنان، نیز یکی از محورهای شش‌گانه پس از طرح مسئله «تولی» در قرآن است. از این رو این آیات نیز در انسجام با بحث اصلی سوره - یعنی «تولی» و روی گردانی از هدایت پیامبر (ص) و قرآن - قرار می‌گیرند.

علاوه‌براین، آیات انتهایی این سوره در پیوندی وثیق، با آیات انتهایی سوره هستند. توضیح آنکه رستاخیز در قرآن از زوایای مختلف توصیف شده‌است، در این آیات، از میان اوصاف مختلف این روز، سخن از فرار انسان از خویشان در قیامت و بسنده کردن به احوال خویش گزینش شده‌است. این نکته را در پیوند با آغاز سوره تداعی می‌کند که اگر انسانی به پشتوانه برخورداری از حمایت خویشان از هدایت شدن «استغنا می‌ورزد»، در آخرت از همه اینها می‌گریزد. سپس از میان دهها وصف ممکن سخن از وضعیت چهره‌ها در این روز گزینش شده‌است. طرح این مسئله سبب پیوند آیات پایانی سوره به آیات نخستین آن شده‌است و این نکته را تداعی می‌کند که نتیجه چهره در هم کشیدن به روی پیامبر (ص) و مستغنیانه به هدایت قرآن پشت کردن چیز جز مبتلا شدن به این سرنوشت نیست: «وَجُوهٌ يُؤْمِنُ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ * أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ» (عبس: ۴۲ - ۴۱).

نتایج

در تحلیل آیات نخستین سوره عبس، سه دیدگاه مطرح است: نخست، عتاب پیامبر (ص)، دوم، عتاب شخصی غیر از پیامبر (ص) و سوم عتاب شخصی غیر از پیامبر و عتاب پیامبر (ص). پژوهش حاضر بر مبنای «انسجام سوره» و «سبک بیانی قرآن» نشان می‌دهد این آیات بر عتاب شخصی غیر از پیامبر و دلداری پیامبر (ص) به خاطر رفتار نامناسب او دلالت دارند. توضیح آنکه آیات اول و دوم سوره عبس سخن از چهره‌درهم کشیدن و پشت کردن مخاطب بی ادب و مستغنی نسبت به پیامبر (ص)، به علت آمدن نابینایی به سوی ایشان را گزارش می‌کنند و آیات دیگر سوره عبس در راستای تحلیل این رفتار و دلداری دادن به پیامبر (ص) به خاطر عدم ایمان مخاطب را در بردارند. آیات سوم و چهارم پیامبر را با امید به ایمان تازه‌وارد دلداری می‌دهند. آیات پنجم تا هفتم، ضمن دلالت بر اشتیاق پیامبر (ص) بر ایمان آوردن مخاطب، او را مستغنی و در نتیجه غیرمستعد هدایت‌پذیری معرفی می‌کنند و مسئولیت هدایت او را از عهده پیامبر خارج اعلام می‌نمایند. آیات هشتم تا دهم با توجه دادن پیامبر به افراد اهل خشیت، از یک سو مخاطب مستغنی را از دایره اهمیت خارج اعلام می‌کنند و از سوی دیگر با خارج نمودن او از دایره اهمیت، به پیامبر (ص) در مقابل رفتار ناشایست او دلداری می‌دهند. آیات یازدهم تا شانزدهم با وصف مرتبه والای قرآن، دلالت بر این نکته دارند که بی‌احترامی مخاطب نسبت به قرآن، از شان و جایگاه قرآن نمی‌کاهد و آیات هفدهم تا سی و دوم که گزارشی از وضعیت نیازمندی و تحت سیطره بودن انسان است، دلالت بر این نکته دارند که با چنین جایگاهی، پس‌زدن هدایت، مصداق ناسپاسی و عمل نکردن به مقتضای حال است. آیات سی و سه تا پایان سوره با به تصویر کشیدن فرار

انسان از خویشان و وضعیت چهره‌ها در قیامت، در پیوندی وثیق با آیات ابتدای سوره و روی در هم کشیدن فرد مستغنی هستند.

علاوه بر آنکه انسجام سوره عبس، توجه به موضوعات باهم‌آیند مسئله «تولی» نیز می‌تواند قرینه‌ای در فهم آیات سوره عبس باشد. چه اینکه در قرآن بارها سخن از «تولی» و روی‌گردانی از پیامبر (ص) مطرح شده‌است. در این آیات، مسئله «تولی» با موضوعات مختلفی در پیوند و همراه شده‌است. موضوعات «مسئول نبودن پیامبر در هدایت افراد» و «خارج کردن مخاطب از پندار مهم بودن» و «توجه دادن به عذاب الهی» از این جمله‌اند. توجه به این موضوعات، به عنوان قرینه‌ای در فهم آیات سوره عبس، تبیین پیش‌گفته درباره آیات سوره عبس را تأیید می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (تحقیق علی عبدالباری عطیه، ۱۶ جلد). دار الکتب العلمیه.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق اسعد محمد الطیب، چاپ سوم، ۱۳ جلد). مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا (۲ جلد). نشر جهان.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق). التحریر و التنویر (۳۰ جلد). مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عطیه آندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز (تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، ۶ جلد). دار الکتب العلمیه.
- ابو الفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (۲۰ جلد). آستان قدس رضوی.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر (تحقیق صدقی محمد جمیل، ۱۱ جلد). دار الفکر.
- اسفرائینی، ابراهیم بن محمد (۱۴۳۲ق). الأطول فی علوم البلاغة (۲ جلد). دار إحياء التراث العربی.
- امامی، سید مجید و غفاری، جواد (۱۴۰۲ش). تصویرسازی برای تسهیل تغییر انگاره مخاطبان قرآن، در چارچوب تفسیر فرهنگی - ارتباطی سوره عبس. دین و ارتباطات، ۳۰(۱)، ۲۸-۱. <https://doi.org/10.30497/rc.2022.242336.1874>
- برومند، محمد حسین و جودوی، امیر (۱۳۸۴ش). کشف راز معاتب و عتاب در سوره عبس. انجمن معارف اسلامی ایران، ۱(۴)، ۱۱۳-۱۲۴.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی (تحقیق عبد الرزاق المهدی، ۵ جلد). دار إحياء التراث العربی.
- بی‌آزار شیرازی، عبد الکرم (۱۳۷۶ش). ترجمه آوایی، و تفسیر پیوسته و تأویل قرآن به قرآن ناطق (۳ جلد). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، ۵ جلد). دار إحياء التراث العربی.

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن (تحقیق ابو محمد ابن عاشور، ۱۰ جلد). دار إحياء التراث العربي.

جرفی، محمد و محمودیان، عباد (۱۳۹۳ش). بررسی سورة «عبس» از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو. پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۲(۲)، ۹-۲۶.

حبنکه، حسن (۱۴۲۰ق). معارج التفكير و دقائق التدبر (۱۵ جلد). دار القلم - الدار الشامیة.

حسینی، جعفر (۱۳۸۷ش). أسالیب البديع في القرآن. بوستان کتاب.

حمیرائی، منصور و زارعی‌فر، ابراهیم (۱۴۰۴ش). تحلیل نشانه معناشناختی گفتمان سوره عبس. مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، ۸(۲)، ۱۴۴-۱۶۳.

دروژه، محمد عزة (۱۴۲۱ق). التفسير الحديث (۱۵ جلد). دار إحياء الكتب العربية.

دهقانی قناتغستانی، مهدیه (۱۴۰۱ش). تعیین مصداق «سبعاً من المثاني» در آیه ۸۷ سوره حجر با توجه به باهم آیی موضوعات در قرآن کریم. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۹(۱)، ۱۲۱-۱۵۵.
<https://doi.org/10.22051/tqh.2021.35923.3205>

دهقانی قناتغستانی، مهدیه و فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۴۰۵ش). نقش توجه به «باهم آیی موضوعات قرآنی» در تبیین پیوند آیه اکمال با آیات نخستین سورة مائده. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن.
<https://doi.org/10.30473/quran.2026.76330.3494>

رضائی اصفهانی، محمدعلی و رستمی، احترام (۱۳۹۶ش). بررسی رویکرد مفسران در تفسیر آیات نخست سوره عبس. مطالعات تفسیری، ۸(۳۱)، ۷-۲۴.

زربوند، نیلوفر؛ پیرانی‌شال، علی؛ ناعمی، زهره؛ اسودی، علی و مظفری، سودابه (۱۴۰۱ش). اسطوره‌شناسی جزء سی ام قرآن کریم با تکیه بر نظریه رولان بارت (مطالعه موردی سوره‌های نازعات، عبس، شمس، تین). پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۱۰(۳)، ۱۵-۳۱.
<https://doi.org/20.1001.1.23452234.1401.10.3.2.5>

سکاکی، یوسف بن ابی‌بکر (۱۴۲۲ق). الأطول (۲ جلد). دار الكتب العلمية.

سلطانی رنانی، محمد (۱۳۹۸ش). تحلیل و نقد تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن کریم (مطالعه موردی سخن سیدمرتضی در تفسیر آیات نخستین سوره عبس). تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۶(۴)، ۱۰۹-۱۳۶.

سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی (۳ جلد). دار الفكر.

سید قطب، سید بن قطب (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن (چاپ هفدهم، ۶ جلد). دار الشروق.

سید مرتضی، علی بن حسین (۱۳۴۱ق). تفسیر الشریف المرتضی (۳ جلد). مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۳۱ق). تفسیر الشریف المرتضی. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
شریعتی مزینانی، محمد تقی (بی‌تا). تفسیر نوین «جزء سی ام قرآن». دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۵ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه (۳۰ جلد). فرهنگ اسلامی.

صبوحی طسوجی، علی؛ صبوحی طسوجی، حسین؛ صبوحی طسوجی، عباس و علیان نظری، محمد (۱۴۰۰ش). تدبر در قرآن کریم: سوره‌های مزمل تا مطففین (۵ جلد). تدبر در کلام وحی و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام).

صرام‌مفروز، محمد حسن (۱۳۸۶ش). عصمت پیامبر (ص) و سوره عبس. اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۹ (۲۳)، ۱۰۳-۱۲۴.

طالب‌تاش، عبدالمجید (۱۳۹۸ش). بررسی و نقد دیدگاه مفسران از قرن سوم تا پنجم در خصوص عتاب در سوره عبس. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۲۵ (۶۵)، ۲۱۳-۲۳۸.

طاهری، خلیل الله (۱۳۹۹ش). تحلیل پیرامون عتاب پیامبر ص در سوره عبس. مطالعات تطبیقی کلام، ۱۰ (۱)، ۸۷-۱۰۴.

طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم، ۲۰ جلد). دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (۳۲ جلد). دار الکتاب الثقافی.

طبرسی، احمد بن علی (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم، ۱۰ جلد). ناصر خسرو.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (۲۶ جلد). هجر.

طوسی، محمد بن الحسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن (تحقیق احمد قصیر عاملی، ۱۰ جلد). دار إحياء التراث العربی.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی (تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، ۲ جلد). چاپخانه علمیه.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (چاپ سوم، ۳۲ جلد). دار إحياء التراث العربی.

فضل الله، محمد حسین (۱۴۳۹ق). تفسیر من وحی القرآن (چاپ سوم، ۲۰ جلد). دار الملائک للطباعة و النشر.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۳۷۳ش). تفسیر الصافی (تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم، ۵ جلد). مکتبه الصدر.

قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل (تحقیق محمد باسل عیون سود، ۹ جلد). دار الکتب العلمیه.

قاضی عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد (۲۰۰۹م). تفسیر القاضی عبدالجبار المعتزلی. دار الکتب العلمیه.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحديث (چاپ سوم، ۱۲ جلد). بنیاد بعثت.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن (۲۰ جلد). ناصر خسرو.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ش). تفسیر القمی (چاپ سوم، ۲ جلد). دار الکتب.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۸ جلد). دار الکتب الاسلامیه.

ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی) (تحقیق مجدی باسلوم، ۱۰ جلد). دار الکتب العلمیه.

محسنی، سید کاظم (۱۳۹۳ش). تحلیل دیدگاه تفسیری فریقین در خصوص آیات آغازین سورہ عبس. مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۹۳(۳)، ۹۵-۱۰۸.

محمدجعفری، رسول؛ هادوی، اصغر و محمدی، حسین (۱۳۹۳ش). نقد و بررسی سندی و متنی روایات اسباب نزول سورہهای نبا تا فجر. مطالعات فهم حدیث، ۱(۱)، ۱۲۱-۱۴۳.

مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی (۳۰ جلد). دار الفکر.

مسلم، مصطفی (۱۴۳۱ق). التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم (۱۰ جلد). جامعة الشارقة.

معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش). التفسیر الأثری الجامع (۱۷ جلد). التمهید.

معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸ش). التمهید فی علوم القرآن (چاپ دوم، ۱۰ جلد). مؤسسه فرهنگی التمهید.

معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ق). شبهات و ردود حول القرآن الکریم. التمهید.

موحدی، زهرا و ماهروزاده، طاهره (۱۳۹۹ ش). قواعد در تفسیر سوره عبس بر اساس تفسیر المیزان. تحقیقات قرآنی و حدیثی، ۲(۳)، ۷۹-۹۴.

موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (سبزواری) (چاپ سوم، ۱۱ جلد). دفتر سماحة آية الله العظمی السبزواری.

مؤید بالله، یحیی بن حمزه العلوی (۱۳۳۲ ق). الطراز (۳ جلد). دار الکتب الخدیویه.

نیکوئی، علی (۱۴۰۲ ش). واکاوی سبب نزول آیات اولیه سوره عبس در تفاسیر فریقین. الاهیات قرآنی (بارویکرد کلامی)، ۳(۱)، ۶۵-۸۲.

ورمزیار، مرضیه (۱۴۰۰ ش). واکاوی چالش کلامی و اخلاقی تفسیر آیات ۱-۱۰ سوره عبس از نگاه فریقین. مطالعات علوم قرآن، ۳(۲)، ۱۱۰-۱۲۹.

هادیان رسانی، الهه (۱۴۰۴ ش). نقد ترجمه‌های قرآن در پرتو تأملات سیاقی، شأن نزول و تناسب آیات (بررسی موردی: آیات ابتدایی سوره عبس، آیه تطهیر، آیه اکمال دین). مطالعات فرهنگی قرآن، ۲(۱)، ۶۷-۹۵.

References (including transcribed/translated titles)

Holly Quran.

Abū al-Futūḥ al-Rāzī, al-Ḥusayn b. 'Alī (1408 AH). *Rawḍ al-jinān wa-rawḥ al-janān fī tafsīr al-Qur'ān* (20 vols.). Āstān-i Quds-i Raḍawī. (in Persian)

Abū Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf (1420 AH). *al-Baḥr al-muḥīṭ fī al-tafsīr* (Ṣiḍqī M. Jamīl, Ed., 11 vols.). Dār al-Fikr. (in Arabic)

al-Ālūsī, Maḥmūd (1415 AH). *Rūḥ al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān al-'aẓīm* ('A. 'Aṭīyya, Ed., 16 vols.). Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (in Arabic)

al-'Ayyāshī, Muḥammad b. Mas'ūd (1380 AH). *Tafsīr al-'Ayyāshī* (H. Rasūlī Maḥallātī, Ed., 2 vols.). Chāpkhāna-yi 'Ilmiyya. (in Arabic)

al-Baghawī, al-Ḥusayn b. Mas'ūd (1420 AH). *Tafsīr al-Baghawī* ('A. al-Mahdī, Ed., 5 vols.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (in Arabic)

al-Bayḍāwī, 'Abd Allāh b. 'Umar (1418 AH). *Anwār al-tanzīl wa-asrār al-ta'wīl* (M. 'A. al-Mar'ashlī, Ed., 5 vols.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (in Arabic)

Bī-āzār Shīrāzī, Abdolkarim (1376 Sh). *Tarjama-yi āvāyī, va tafsīr-i payvasta va ta'wīl-i Qur'ān bi-Qur'ān-i nāṭiq* (3 vols.). Daftār-i Nashr-i Farhang-i Islāmī. (in Persian)

Boroumand, Mohammad Hossein, & Joudavi, Amir (1384 Sh). Kashf-i rāz-i mu'ātab va 'itāb dar sūra-yi 'Abasa. *Journal of the Iranian Association of Islamic Studies*, 1(4), 113-124. (in Persian)

Darwaza, Muḥammad ‘Izza (1421 AH). *al-Tafsīr al-ḥadīth* (15 vols.). Dār Iḥyā’ al-Kutub al-‘Arabiyya. (in Arabic)

Dehqani Qanatgheṣṭani, Mahdiyeh (1401 Sh). Ta’yīn-i miṣdāq-i “sab’an min al-mathānī” dar āya-yi 87-i sūra-yi Ḥijr bā tavajjuh bih bāham-āyī-yi mawḍū‘āt dar Qur’ān-i karīm. *Quran and Hadith Studies*, 19(1), 121–155. <https://doi.org/10.22051/tqh.2021.35923.3205> (in Persian)

Dehqani Qanatgheṣṭani, Mahdiyeh, & Feqhizadeh, Abdolhadi (1405 Sh). Naqsh-i tavajjuh bih “bāham-āyī-yi mawḍū‘āt-i qur’ānī” dar tabyīn-i payvand-i āya-yi ikmāl bā āyāt-i nukhustīn-i sūra-yi Mā’ida. *Pizhūhishnāma-yi Tafsīr va Zabān-i Qur’ān*. <https://doi.org/10.30473/quran.2026.76330.3494> (in Persian)

Emami, Seyed Majid, & Ghaffari, Javad (1402 Sh). Taṣvīrsāzī barā-yi tashīl-i taghyīr-i ingāra-yi mukhāṭabān-i Qur’ān, dar chahārchūb-i tafsīr-i farhangī-irtibāṭī-yi sūra-yi ‘Abasa. *Religion and Communication*, 30(1), 1–28. <https://doi.org/10.30497/rc.2022.242336.1874> (in Persian)

Faḍl Allāh, Muḥammad Ḥusayn (1439 AH). *Tafsīr min waḥy al-Qur’ān* (3rd ed., 20 vols.). Dār al-Malāk li-l-Ṭibā‘a wa-l-Nashr. (in Arabic)

Fakhr al-Rāzī, Muḥammad b. ‘Umar (1420 AH). *Mafātīḥ al-ghayb* (3rd ed., 32 vols.). Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. (in Arabic)

Fayḍ Kāshānī, Muḥammad b. Shāh Murtaḍā (1373 Sh). *Tafsīr al-Sāfi* (Ḥ. A’lamī, Ed., 2nd ed., 5 vols.). Maktabat al-Ṣadr. (in Arabic)

Ḥabannaka, Ḥasan (1420 AH). *Ma‘ārij al-tafakkur wa-daqa’iq al-tadabbur* (15 vols.). Dār al-Qalam – al-Dār al-Shāmiyya. (in Arabic)

Hadian Rasnani, Elaheh (1404 Sh). Naqd-i tarjamahā-yi Qur’ān dar partaw-i ta’ammulāt-i siyāqī, sha’n-i nuzūl va tanāsub-i āyāt (barrasī-yi mawridī: āyāt-i ibtidā’ī-yi sūra-yi ‘Abasa, āya-yi taḥīr, āya-yi ikmāl-i dīn). *Quranic Cultural Studies*, 2(1), 67–95. (in Persian)

Homayraee, Mansour, & Zareifar, Ebrahim (1404 Sh). Taḥlīl-i nishāna-ma’ nāshinākhtī-yi guftimān-i sūra-yi ‘Abasa. *Quranic Stylistic Studies*, 8(2), 144–163. (in Persian)

Hosseini, Jafar (1387 Sh). *Asālīb al-badī‘ fi al-Qur’ān*. Būstān-i Kitāb. (in Arabic)

Ibn Abī Ḥātim, ‘Abd al-Raḥmān b. Muḥammad (1419 AH). *Tafsīr al-Qur’ān al-‘aẓīm* (As’ad M. al-Ṭayyib, Ed., 3rd ed., 13 vols.). Maktabat Nizār Muṣṭafā al-Bāz. (in Arabic)

Ibn ‘Āshūr, Muḥammad b. al-Ṭāhir (1420 AH). *al-Taḥrīr wa-l-tanwīr* (30 vols.). Mu’assasat al-Tārīkh al-‘Arabī. (in Arabic)

Ibn ‘Aṭīyya al-Andalusī, ‘Abd al-Ḥaqq b. Ghālīb (1422 AH). *al-Muḥarrar al-wajīz fi tafsīr al-kitāb al-‘aẓīz* (‘A. ‘Abd al-Shāfi Muḥammad, Ed., 6 vols.). Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. (in Arabic)

Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ‘Alī (1378 AH). *‘Uyūn akhbār al-Riḍā* (2 vols.). Nashr-i Jahān. (in Arabic)

Isfarāyinī, Ibrāhīm b. Muḥammad (1432 AH). *al-Aṭwal fī ‘ulūm al-balāgha* (2 vols.). Dār Ihṡā’ al-Turāth al-‘Arabī. (in Arabic)

Jarfi, Mohammad, & Mahmoudian, Ebad (1393 Sh). Barrasī-yi sūra-yi “‘Abasa” az dīdgāh-i sabkshināsī-yi guftimānī-yi Mīshīl Fūkū. *Literary-Quranic Research*, 2(2), 9–26. (in Persian)

al-Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb (1407 AH). *al-Kāfī* (‘A. A. Ghaffārī & M. Ākhūndī, Eds., 8 vols.). Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (in Arabic)

al-Marāghī, Aḥmad Muṣṭafā (n.d.). *Tafsīr al-Marāghī* (30 vols.). Dār al-Fikr. (in Arabic)

Ma‘rifat, Mohammad Hadi (1387 Sh). *al-Tafsīr al-atharī al-jāmi‘* (17 vols.). al-Tamhīd. (in Arabic)

Ma‘rifat, Mohammad Hadi (1388 Sh). *al-Tamhīd fī ‘ulūm al-Qur‘ān* (2nd ed., 10 vols.). Mu‘assasa-yi Farhangī-yi al-Tamhīd. (in Arabic)

Ma‘rifat, Mohammad Hadi (1423 AH). *Shubuhāt wa-rudūd ḥawl al-Qur‘ān al-karīm*. al-Tamhīd. (in Arabic)

al-Māturīdī, Muḥammad b. Muḥammad (1426 AH). *Ta’wīlāt ahl al-sunna (Tafsīr al-Māturīdī)* (M. Bāslūm, Ed., 10 vols.). Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. (in Arabic)

Mohammad Jafari, Rasoul, Hadavi, Asghar, & Mohammadi, Hossein (1393 Sh). Naqd va barrasī-yi sanadī va matnī-yi rivāyāt-i asbāb-i nuzūl-i sūrahā-yi Naba’ tā Fajr. *Hadith Understanding Studies*, 1(1), 121–143. (in Persian)

Mohseni, Seyed Kazem (1393 Sh). Taḥlīl-i dīdgāh-i tafsīrī-yi farīqayn dar khuṣūṣ-i āyāt-i āghāzīn-i sūra-yi ‘Abasa. *Comparative Studies of Quran and Hadith*, 93(3), 95–108. (in Persian)

Movahedi, Zahra, & Mahrouzadeh, Tahereh (1399 Sh). Qavā‘id dar tafsīr-i sūra-yi ‘Abasa bar asās-i Tafsīr al-mīzān. *Quranic and Hadith Research*, 2(3), 79–94. (in Persian)

al-Mu‘ayyad bi-llāh, Yaḥyā b. Ḥamza al-‘Alawī (1332 AH). *al-Ṭirāz* (3 vols.). Dār al-Kutub al-Khidīwiyya. (in Arabic)

al-Mūsawī al-Sabzawārī, ‘Abd al-A‘lā (1409 AH). *Mawāhib al-Raḥmān fī tafsīr al-Qur‘ān (Sabzawārī)* (3rd ed., 11 vols.). Daftar-i Samāḥat-i Āyat Allāh al-‘Uzmā al-Sabzawārī. (in Arabic)

Muslim, Muṣṭafā (1431 AH). *al-Tafsīr al-mawḍū‘ī li-suwar al-Qur‘ān al-karīm* (10 vols.). Jāmi‘at al-Shāriqa. (in Arabic)

Nikouei, Ali (1402 Sh). Vākāvī-yi sabab-i nuzūl-i āyāt-i avvaliyya-yi sūra-yi ‘Abasa dar tafāsīr-i farīqayn. *Quranic Theology (with Theological Approach)*, 3(1), 65–82. (in Persian)

Qāḍī ‘Abd al-Jabbār, ‘Abd al-Jabbār b. Aḥmad (2009). *Tafsīr al-Qāḍī ‘Abd al-Jabbār al-Mu‘tazilī*. Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. (in Arabic)

al-Qāsimī, Muḥammad Jamāl al-Dīn (1418 AH). *Maḥāsīn al-ta‘wīl* (M. B. ‘Uyūn Sūd, Ed., 9 vols.). Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. (in Arabic)

Qomī, Ali b. Ibrahim (1404 AH). *Tafsīr al-Qummī* (3rd ed., 2 vols.). Dār al-Kitāb. (in Arabic)

Qorashi, Ali Akbar (1377 Sh). *Tafsīr-i aḥsan al-ḥadīth* (3rd ed., 12 vols.). Bunyād-i Bi‘that. (in Persian)

al-Qurtubī, Muḥammad b. Aḥmad (1364 Sh). *al-Jāmi‘ li-aḥkām al-Qur‘ān* (20 vols.). Nāṣir Khusraw. (in Arabic)

Razaei Esfahani, Mohammad Ali, & Rostami, Ehteram (1396 Sh). Barrasī-yi rūykard-i mufasssīrān dar tafsīr-i āyāt-i nukhust-i sūra-yi ‘Abasa. *Tafsīri Studies*, 8(31), 7–24. (in Persian)

Sabouhi Tasouji, Ali, Sabouhi Tasouji, Hossein, Sabouhi Tasouji, Abbas, & Alian Nazari, Mohammad (1400 Sh). *Tadabbur dar Qur‘ān-i karīm: Sūrahā-yi Muzzammil tā Muṭaffifīn* (5 vols.). Tadabbur dar Kalām-i Waḥy va Sīra-yi A‘imma-yi Aṭṥār. (in Persian)

Ṣādiqī Tehrānī, Mohammad (1405 AH). *al-Furqān fī tafsīr al-Qur‘ān bi-l-Qur‘ān wa-l-sunna* (30 vols.). Farhang-i Islāmī. (in Arabic)

al-Sakkākī, Yūsuf b. Abī Bakr (1422 AH). *al-Aṭwal* (2 vols.). Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. (in Arabic)

al-Samarqandī, Naṣr b. Muḥammad (1416 AH). *Tafsīr al-Samarqandī* (3 vols.). Dār al-Fikr. (in Arabic)

Sarram-Mofrouz, Mohammad Hassan (1386 Sh). ‘Iṣmat-i payāmbār (ṣ) va sūra-yi ‘Abasa. *Religious Thought of Shiraz University*, 9(23), 103–124. (in Persian)

Sayyid Murtaḍā, ‘Alī b. al-Ḥusayn (1341 AH). *Tafsīr al-Sharīf al-Murtaḍā* (3 vols.). Mu‘assasat al-A‘lamī li-l-Maṭbū‘āt. (in Arabic)

Sayyid Murtaḍā, ‘Alī b. al-Ḥusayn (1431 AH). *Tafsīr al-Sharīf al-Murtaḍā*. Mu‘assasat al-A‘lamī li-l-Maṭbū‘āt. (in Arabic)

Sayyid Quṭb, Sayyid b. Quṭb (1412 AH). *Fī zilāl al-Qur‘ān* (17th ed., 6 vols.). Dār al-Shurūq. (in Arabic)

Shariati Mazinani, Mohammad Taqī (n.d.). *Tafsīr-i nuvīn: Juz‘-i sī-yumi Qur‘ān*. Daftār-i Nashr-i Farhang-i Islāmī. (in Persian)

Soltani Renani, Mohammad (1398 Sh). Taḥlīl va naqd-i ta‘thīr-i mabānī-yi kalāmī dar tafsīr-i Qur‘ān-i karīm (muṭāla‘a-yi mawridī-yi suḥan-i Sayyid Murtaḍā dar tafsīr-i āyāt-i nukhustīn-i sūra-yi ‘Abasa). *Quran and Hadith Studies*, 16(4), 109–136. (in Persian)

al-Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad (2008). *al-Tafsīr al-kabīr: Tafsīr al-Qur'ān al-'aẓīm* (32 vols.). Dār al-Kitāb al-Thaqāfi. (in Arabic)

al-Ṭabarāsī, Aḥmad b. 'Alī (1372 Sh). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān* (3rd ed., 10 vols.). Nāṣir Khusraw. (in Arabic)

al-Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr (1422 AH). *Jāmi' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān* (26 vols.). Hijr. (in Arabic)

al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn (1417 AH). *al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān* (5th ed., 20 vols.). Daftār-i Intishārāt-i Islāmī-yi Jāmi'a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi 'Ilmiyya-yi Qum. (in Arabic)

Taheri, Khalilollah (1399 Sh). Taḥlīl pīrāmūn-i 'itāb-i payāmbār (ṣ) dar sūra-yi 'Abasa. *Comparative Theological Studies*, 10(1), 87–104. (in Persian)

Talebtash, Abdolmajid (1398 Sh). Barrasī va naqd-i dīdgāh-i mufasssīrān az qarn-i sivvum tā panjum dar khuṣūṣ-i 'itāb dar sūra-yi 'Abasa. *Historical Studies of the Quran and Hadith*, 25(65), 213–238. (in Persian)

al-Tha'labī, Aḥmad b. Muḥammad (1422 AH). *al-Kashf wa-l-bayān 'an tafsīr al-Qur'ān* (Abū Muḥammad Ibn 'Āshūr, Ed., 10 vols.). Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (in Arabic)

al-Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan (n.d.). *al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān* (A. Qaṣīr 'Āmilī, Ed., 10 vols.). Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (in Arabic)

Varmarzyar, Marziyeh (1400 Sh). Vākāvī-yi chālīsh-i kalāmī va akhlāqī-yi tafsīr-i āyāt-i 1–10 sūra-yi 'Abasa az nigāh-i farīqayn. *Quranic Science Studies*, 3(2), 110–129. (in Persian)

Zarivand, Niloufar, Piranishal, Ali, Naemi, Zohreh, Asoudi, Ali, & Mozaffari, Soudabeh (1401 Sh). Uṣṭūra-shināsī-yi juz'-i sī-yumi Qur'ān-i karīm bā takya bar nazariyya-yi Rūlān Bārt (muṭāla'a-yi mawridī-yi sūrahā-yi Nāzi'āt, 'Abasa, Shams, Tīn). *Literary-Quranic Research*, 10(3), 15–31. <https://doi.org/20.1001.1.23452234.1401.10.3.2.5> (in Persian)